



ایران همدر: صدوری

یک سال از سکوت سؤال برانگیز محافل بین المللی نسبت به ترور قهرمان مبارزه با داعشیان، خشن ترین ترور ریسم کور منطقه گذشت

سردار ملی

اسماعیل علوی
دبیر گروه یادآوری

سردار قاسم سلیمانی صبحگاه جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ در حمله ای تروریستی توسط امریکایی ها در فرودگاه بغداد به شهادت رسید. در این حمله همراه با سردار سلیمانی، ابومهدی المهندس، فرمانده حزب الله و قائم مقام بسیج مردمی عراق (الحشد الشعبی) به همراه شمار دیگری از رزمندگان عراقی به شهادت رسیدند. حمله فوق به دستور مستقیم رئیس جمهوری امریکا، دونالد ترامپ صورت گرفت.

از لحظه وقوع ترور دولتی شهید سلیمانی، این سؤال جدی مطرح است که چرا قوی ترین کشور جهان به شیوه ترور که حربه و منطق ضعیفان است، دست برده و ننگی همیشگی بر پیشانی خود نشانند! اگرچه محافل سیاسی نزدیک به امریکایی ها سعی کردند این اقدام را نوعی قدرت نمایی جا بزنند ولی ماهیت تروریستی آن را نتوانستند بپوشانند.

این اتفاق تروریستی مهم ترین واقعه تاریخی یکی دو دهه اخیر در خاورمیانه است که جهان بشری درشرق وغرب و منطق ضعیفان است، دست برده و ننگی همیشگی بر پیشانی خود نشانند! اگرچه محافل سیاسی نزدیک به امریکایی ها سعی کردند این اقدام را نوعی قدرت نمایی جا بزنند ولی ماهیت تروریستی آن را نتوانستند بپوشانند.

این اتفاق تروریستی مهم ترین واقعه تاریخی یکی دو دهه اخیر در خاورمیانه است که جهان بشری درشرق وغرب و منطق ضعیفان است، دست برده و ننگی همیشگی بر پیشانی خود نشانند! اگرچه محافل سیاسی نزدیک به امریکایی ها سعی کردند این اقدام را نوعی قدرت نمایی جا بزنند ولی ماهیت تروریستی آن را نتوانستند بپوشانند.

سردار بن بست شکن



امیر رزاقزاده
راوی و پژوهشگر تاریخ جنگ

به همین دلیل، چهره رسانه ای نشد. حاج قاسم از نگارش هجده جلد کتاب درخصوص خدمات لشکر ۴۱ ثارالله در دوران دفاع مقدس حمایت کرد، اما اجازه نداد نامی از وی برده شود و این آثار به نام کارنامه فعالیت های لشکر ۴۱ منتشر شد. بنابراین، یکی دیگر از ویژگی های او این بود که نمی گذاشت فعالیتی به نام او ذکر شود.

■ پیشبردهمزمان اقدام نظامی ومذاکره

وی در عین اصول و چارچوبی که برای خود قائل بود، هیچگاه بدون تدبیر و کورکارانه اقدامی انجام نمی داد، زیرا آگاه بود که این گونه اقدامات همواره با هزینه های بسیار وآسیب های جبران ناپذیر همراه خواهد شد. از این رو، وی در عین حالی که به مبارزه با دشمنان ادامه می داد و درگیر نبردی جدی بود، مذاکره را نیز مدنظر داشت و روی آن حساب می کرد. بنابراین، وی همزمان هم مبارزه می کرد و هم مذاکرات لازم را انجام می داد. برای مثال، در سیستان و بلوچستان با سران طوایف مذاکراتی انجام داد با ضمن نبردهای خارج از کشور، با سران برخی کشورها مراوداتی داشت و با راه کار وی عبث و بیهوده نمی دانست. وی کار سیاسی و نظامی گری را هم عرض هم پیش می برد و آنها را مکمل یکدیگر می دانست و معتقد بود که فعالیت نظامی و بازنگری در عرصه سیاست در کنار هم معنا می یابند. بنابراین آنها را باید باهم پیش برد.

■ رازداری

ویژگی دیگر حاج قاسم را زادربودنش بود. در دوران خدمت در سیستان و بلوچستان، کردستان، جنگ و در خارج از کشور، او اسرار و فنون نظامی را فاش نکرد و بجز دوره ای که در جنگ، روایان در کنارش بودند و مواردی را به آنها منتقل می کرد، ظرایف بسیاری از فعالیت هایش مکتوم نگاشته ماند.

«اخلاص»؛ اکسیری که ام الفضایل است و از دل آن شجاعت، صداقت، انصاف، شفقت، صلابت و... زاییده شده و عقل فرصت میداناری می یابد. همان گوهری که «دیوید پترائوس» ژنرال چهار ستاره ارتش امریکا که زمانی سرفرماندهی کل ارتش ایالات متحده امریکا در منطقه خاورمیانه، شرق آفریقا و آسیای مرکزی را برعهده داشت؛ در حق اش می گوید: «چیزی که می توانم بگویم این است که وی فردی بسیار توانمند و مدبر و دشمنی شایسته است. وی بازی خود را به خوبی انجام می دهد اما این بازی طولانی است». پیش از او نیز صدام در جریان عملیات کربلای ۵ وقتی از طریق کشود بی سیم متوجه حضور سردار قاسم سلیمانی و نیروهایش پس از عبور از سد قوی ترین سپاه ارتش بعث عراق به فرماندهی ژنرال ماهر عبدالرشید، می شود با تحقیر و انزوا و برجسته ترین افسر ارتش خود، در عمل به برتری و درایت قاسم سلیمانی معترف می شود.

■ شهید قاسم سلیمانی در کسوت فرمانده

دفاع مقدس

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه کشوران قاسم سلیمانی شغل نیم بند خود در سازمان آب کرمان را رها کرده و با جمعی از جوانان کرمانی، خود را به اهواز می رساند و بی هیچ ادعایی که نشان از اخلاص ذاتی او بود، در ترکیب سایر گروه ها - گروه شهید

بوده است) در بیت المقدس در محور کوشک جنگیدند. تیپ ثارالله مأموریت داشت در بیت المقدس خاکریز اول دشمن را تصرف کند و توانست در مأموریت فرعی دشمن را منحرف کند. در این مقطع سردار سلیمانی وارد دانشکده جنگ شد و دانش جنگ را نیز فرا گرفت. در این عملیات چون نیروهای کرمان دو گردان بیشتر نبودند، کار مهمی نتوانستند صورت دهند.

در عملیات مهران فرمانده قرارگاه نجف در تماس با یگان های عملیاتی اعلام می کند برای دریافت رمز عملیات آماده باشید. برخی یگان ها مهلت کوتاهی می خواهند تا همه نیروهایشان از معابر عبور کنند که در جریان این گفت وگوها ناگهان به قرارگاه خبر می دهند که نیروهای محور ۳۱ لشکر ۴۱ ثارالله با گشتی های دشمن درگیر شده اند. با اعلام رمز عملیات هنوز ۱۰ دقیقه از اعلام رمز نگذشته که قاسم سلیمانی خبر به اسارت گرفتن یک نیروی دشمن را می دهد. سخت ترین محور به لشکر ۴۱ می افتد اگر این محور تصرف شود شهر بدره عراق در تیررس قرار می گیرد. لذا عراقی ها مقاومت می کنند و ساعاتی کار برای لشکر ۴۱ گره می خورد. قاسم سلیمانی با دسته ای به دل دشمن می زند و تمام توان خود را به کار می گیرد تا محور را پاکسازی کند. در آن زمان جنگ در ارتفاعات قلاویزان به مرحله بحران می رسد. توان نیروها کاهش یافته، تعداد شهدا و مجروحان زیاد شده و امکان کمک رسانی هم مشکل است. دستور عقب نشینی صادر می شود و قاسم سلیمانی با فرماندهان گردان به مشورت می پردازد. فرماندهان با عقب نشینی مخالفت می کنند و می گویند ما نتوان مقابله داریم و به عقب برمی گردیم. روز فرا می رسد و با روشن شدن هوا کار دشوارتر می شود، دیری نمی رسد که بالگردهای عراقی از راه می رسند. ساعتی بعد پاتک دشمن آغاز می شود و احتمال اینکه مقاومت نیروهای خودی از هم بپاشد، وجود دارد. در موج اول نیروهای دشمن بخشی از مواضع رزمندگان ما را تصرف می کنند. عراقی ها برای مواضع از دست داده تلاش زیادی را به کار می برند و مشغول ایجاد خط و خاکریز می شوند. تعداد شهدا و مجروحان باقی مانده در میانه میدان مطرح می شود ولی اغلب فرماندهان با آن مخالف اند و در موقعیت آن تردید می کنند. بنا می شود موضوع را با قاسم سلیمانی در میان بگذارند. قاسم استقبال می کند و اصرار می ورزد. با فرارسیدن شب، حمله دوم آغاز می شود اما کوچکترین غفلت و زمان سوزی باعث غلبه دوباره دشمن خواهد شد.

سردار ضمن بازآرایی قوای موجود، دست به کاری بزرگ می زند؛ همچون حلقه های زنجیر جبهه مقاومت (استحکام می بخشد. حاج قاسم مردم را عمیقاً باور داشت و کارش را بر مبنای اعتماد به توانمندی مردم پی ریزی می کرد، رابطه او با مردم، ظاهری و نمایی نبود، او اهل خشکی های مصنوعی در میان مردم نبود،

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

ایران

حزب الهی رابطه داشته باشد ویس...
رابطه حزب الهی با کسی که کمتر دیندار است موضوعیت دارد و اتفاقاً باید تقویت شود...

آن دختر کم حجاب هم دختر من و شماس.
دختر جمعه ماست... نباید مدام به این و آن حمله کرد که این بی حجاب است، آن باحجاب است، این اصلاح طلب است، آن اصولگر است....»

وده ها نمونه دیگر از این قبیل سخنان که نشانگر پیشن بالا و بلند سلیمانی بود...
سلیمانی در منازعات داخلی قدرت شرکت نمی کرد و همیشه به وظیفه اصلی

”

حاج قاسم مردم را عمیقاً باور داشت و کارش را بر مبنای اعتماد به توانمندی مردم پی ریزی می کرد، رابطه او با مردم، ظاهری و نمایی نبود، او اهل خط کشی های مصنوعی در میان مردم نبود، می دانست همین مردم اگر مورد توجه و اعتماد و خدمت قرار گیرند، بهترین پشتوانه برای نظام خواهند بود و در شرایط لازم، به پا می خیزند همان طور که در تشییع شهید نمایان شد

خود که دفاع از وطن در برابر دشمن بیگانه بود، می پرداخت.
او در سیاست داخلی که به خوبی می شناخت، دخالت نمی کرد و هیچگاه علیه مردم موضع گیری نکرد...
او بیش از آنکه در شهر و در خانه های آنجانی باشد، در کوه ها و بیابان های خاورمیانه بود...

نه فعالیت اقتصادی انجام داد و نه فرزندانش را به خارج از کشور فرستاد.
او به معنای واقعی کلمه سرباز و سرداری ملی بود و در هیچ دسته سیاسی ای جای نمی گرفت...
او کسی بود که فارغ از قومیت و مذهب،

برای امنیت مردم منطقه می جنگید و این اوخر اعتقاد داشت و می گفت که به خاطر انسانیت می جنگد...

برای او امنیت شیعیان همان اندازه اهمیت داشت که امنیت سنی ها، ایزدی ها و مسیحیان.

همان اندازه که امنیت قبایل عرب برایش مهم بود، امنیت کردها هم مهم بود...

می توان به دیدگاه های سردار نقد داشت، می توان منتقد او بود، می توان حتی مخالف او بود، ولی نمی توان به او احترام نگذاشت.
مردی که در کوه ها و بیابان های خاورمیانه دنبال شهادت می گشت، مردی که در قالب هیچ یک از دسته های سیاسی نگنجد و به معنای واقعی کلمه «سردار ملی» بود.

با همه نیروهای سیاسی کشور و حتی نیروهای متکثر خارج از کشور در منطقه روابطمی حسنه داشت و مورد احترام دیگران هم بود. مطمئناً، آیندگان نام او را در کنار دیگر سرداران تاریخ چند هزار ساله قرار خواهند داد.

می دانست همین مردم اگر مورد توجه و اعتماد و خدمت قرار گیرند، بهترین پشتوانه برای نظام خواهند بود و در شرایط لازم، به پا می خیزند همان طور که در تشییع شهید نمایان شد.
رابطه حاج قاسم با مردم، دلی اینگونه بود که او سردار دل ها و اسوه ماندگار جوانمردی شد و امنیت پایدار را برای کشور و مردمش به ارمان آورد.

حاج قاسم پس از شهادتش نیز به گونه ای مردم را به صحنه آورد و برای کشور، سرمایه اجتماعی بزرگی تولید کرد که در پی آن امریکای مدعی و جهانخواه جرأت

پاسخگویی به جنایت خود را پیدا نکرد!

همزمان با اعلام خبر ترور قاسم سلیمانی موج عمیقی از تأثر و تألم، مردم ایران و حتی بسیاری از مردم منطقه را فرا گرفت. مردم فارغ از هر گونه گرایش سیاسی - اجتماعی در جای جای ایران به خیابان ها آمدند و در سوگ او اشک ریختند و عزاداری کردند. بدین ترتیب مراسم تشییع جنازه او یکی از مهاتون مقابله داریم و به عقب برمی گردیم. روز فرا می رسد و با روشن شدن هوا کار دشوارتر می شود، دیری نمی رسد که بالگردهای عراقی از راه می رسند. ساعتی بعد پاتک دشمن آغاز می شود و احتمال اینکه مقاومت نیروهای خودی از هم بپاشد، وجود دارد. در موج اول نیروهای دشمن بخشی از مواضع رزمندگان ما را تصرف می کنند. عراقی ها برای مواضع از دست داده تلاش زیادی را به کار می برند و مشغول ایجاد خط و خاکریز می شوند. تعداد شهدا و مجروحان باقی مانده در میانه میدان مطرح می شود ولی اغلب فرماندهان با آن مخالف اند و در موقعیت آن تردید می کنند. بنا می شود موضوع را با قاسم سلیمانی در میان بگذارند. قاسم استقبال می کند و اصرار می ورزد. با فرارسیدن شب، حمله دوم آغاز می شود اما کوچکترین غفلت و زمان سوزی باعث غلبه دوباره دشمن خواهد شد.

سردار ضمن بازآرایی قوای موجود، دست به کاری بزرگ می زند؛ همچون حلقه های زنجیر جبهه مقاومت (استحکام می بخشد. حاج قاسم مردم را عمیقاً باور داشت و کارش را بر مبنای اعتماد به توانمندی مردم پی ریزی می کرد، رابطه او با مردم، ظاهری و نمایی نبود، او اهل خشکی های مصنوعی در میان مردم نبود،

■ از محبوبیت سردار قاسم سلیمانی

اما راز این محبوبیت او در بین مردم چیست؟! کافی است برخی از سخنان ایشان با همقطارانش را ملاحظه کنید تا به راز این محبوبیت پی ببرید ذکر چندین نقل قول از ایشان به خوبی نشانگر این بی طرفی مسئولانه و دوراندیشانه است.

سلیمانی می گفت: «هر کس با مریدهای خودش است! هر مداحی با مریدهای خودش! اصلاح طلب با اصلاح طلب!

سلیمانی می گفت: «هر کس با مریدهای خودش است! هر مداحی با مریدهای خودش! اصلاح طلب با اصلاح طلب!

این چه، اون راسته، این باحجاب، اون بی حجاب... پس چه چیزی را می خواهید حفظ کنید... همه ملت ایران با هر گرایش فکری و هر دینی، خانواده ما هستند و ما وظیفه داریم از آنها در برابر هر تهاجمی مواظبت کنیم... آن دختر بی حجاب، دختر من با خواهر من هم هست، خیلی از این مردم از نظام خوش شان نمی آید، ولی این سرزمین هزاران سال است که متعلق به همین مردم بوده و ما این حق را نداریم که به آنها اجحافی بکنیم...

نمی شود که حزب الهی فقط با



در کنارش بود.

■ آزاداندیشی

او هیچ وقت برای فرزنداننش خط و خطوط تعیین نمی کرد و آنها را مجبور به پذیرفتن افکار و اعتقاداتش نمی کرد. تا آنجاکه می دانم، در خانواده ایشان تنوع فکری وجود دارد و همه نظر و فکر یکسانی ندارند. حاج قاسم همه فرزنداناش را با افکار و نظریاتشان پذیرفته بود و برایشان دلسوزانه پدیری می کرد. خانواده وی هم بسیار بی آرایش اند.

■ شهادت ثمره تلاش ها و آرزوی دیرینه
سرانجام کار حاج قاسم، تحقق آرزویش و آن چیزی بود که همیشه آرزویش را داشت. شهادت ثمره فعالیت های خالصانه او و پاداش عظیمی بود که از نظر اسلام و امام (ره) فراتر از آن نیست. او در طول جنگ و در سال های پس از جنگ، همواره آرزو می کرد که شهادت نصیبش شود و به جمع دوستان و هم زمان شهیدش بپیوندد. در نهایت نیز ثمره تلاش هایش را دید و توفیق شهادت را یافت.

■ محبوبیت

مراسم تشییع وی جزو تشییع های کم نظیری با شاید بی نظیر در دنیا بود. خیل عظیم علاقه مندان حاج قاسم در مراسم تشییع او در شهرهای گوناگون که با میل و رغبت خود آمده بودند، حاکی از صفا و صمیمیت و صداقت و خلوص ایشان بود. او توصیه کرده بود که آخرین اقامتگاهش در دنیا هم ساده و بی آرایش و در کنار مزار هم رزمانش در شهر کرمان باشد. حاج قاسم سربازی بی بدیل امام خمینی (ره) بود که در سایه تعلیم امام در این مملکت رشد کرد و به تعالی رسید و در انتها، شهد شیرین شهادت را نوشید.

خویش، نه خودش از امکانات و تسهیلات کشور استفاده کرد و نه اجازه داد که خانواده اش از این تسهیلات برخوردار شوند. حتی او با کسانی که برای ارائه تسهیلات ویژه ای که برای بستری نوه های دولتی تازه به دنیا آمده شان در بخش زنان و زایمان قائل شدند، بشدت مخالفت و ممانعت کرد و با صراحت به مسئولان بیمارستان گفت که ما هم باید مثل بقیه افراد معمولی در صف نوبت دهی قرار بگیریم. امام خمینی (ره) نیز در وضعیتی که مردم نفت و وسایل ضروری زندگی شان را نداشتند، از امکانات استفاده نمی کردند و هرگز به دنبال امیال دنیوی و رفاه شخصی نبودند و پدران حکمرانی می کردند.

■ پاک دستی

سلیمانی از دلارها و بوجه هایی که در اختیارش بود، حتی یک دلار را برای خانواده یا وابستگان و اطرافیانش هزینه نمی کرد و از امکانات برای اجرای مأموریتش به نحو احسن استفاده می کرد. در دوران جنگ، او پیدرش را همراه خود به جبهه می برد تا وی نیز در درد توانش به رزمندگان خدمت کند. من هیچگاه ندیدم که ایشان برای پیشبرد اهداف شخصی، از موقعیت یا امکاناتی که در اختیارش بود، استفاده کند و به تعالی رسید و در انتها، شهد شیرین شهادت را نوشید.

باش. همیشه را راحت طلبی و عافیت طلبی پرهیز می کرد و هیچگاه، در هیچ دوره ای از کار و تلاش در راه اعتلای ارزش های معنوی دست نکشید. او همواره ذهنی پویا داشت و در عرصه عمل نیز بپرحرکت بود.

■ حرکت رویه رشد

حاج قاسم علاوه بر توانایی هایی که داشت و اقدامات مؤثری که در سطح کشور و منطقه انجام می داد که نتایج ملی، منطقه ای و بین المللی به همراه داشت، تا روز شهادتش هم روز به داشته هایش اضافه می کرد، همواره رویه به رشد بود و در جهت تعالی خویش حرکت می کرد. این ویژگی سبب شده بود که او از همه آزمون های زندگی اش سربلند بیرون بیاید.

■ شاگرد خلف امام خمینی (ره)

ما در مکتب امام خمینی (ره) با موضوع انسان سازی مواجهیم. امام (ره) درصدد ساختن انسان هایی از جنس قاسم سلیمانی بودند. انقلابی به ثمر نرسیده با تلاش افرادی بازمی گشت که نتیجه عبادات، انس با قرآن و توبه که بعد از چهل سال، حاج قاسم سلیمانی را تقدیم نظام کند.

■ سواستفاده نکردن از قدرت و موقعیت

حاج قاسم در طول زندگی بابرکت